



سینما کرد

اطلاع داشت. فضای داستانی فیلم به شدت متفاوت بود.

صحنه و لباس «سرب» به لحاظ تاریخی بودنش جزو کارهای شاخص شما و کیمیایی در حوزه طراحی است؟

برای اولین بود که چنین شرایطی به وجود آمد و بخش‌های طهران قدیم مثل سینما را ساختیم.

خانه‌های قدیمی فیلم را چگونه انتخاب کردید؟

خانه‌ای که مشایخی در آن حضور داشت حوالی سیروس بود و در آن محله پیدایش کردم.

از دکورهای شهرک غزالی استفاده نکردید؟

امکانش نبود و کیمیایی و من دوست داشتیم که دکورها برای چشم مخاطب تازه و نو باشد. برای ساخت لوکشین هتل ویکتوریا رفتم به سراغ مدرسه البرز و بازسازی‌اش کردم. سر در سینمای خورشید را در مدرسه فیروز بهرام طراحی کردیم. عکس‌های زیادی از فضا و جغرافیایی شهری تهران برای تهیه لوکیشن در پیش تولید گرفتم. در این زمینه کیمیایی هم حافظه خوبی داشت و کمک کرد.

به چه دلیل با کیمیایی همکاری‌های کمی داشتید؟

دلیل خاصی نداشت و یا من سر کار دیگری بودم و یا سایر اتفاقات، اما دوباره سر فیلم «جرم» با کیمیایی کار کردم.

در دهه هفتاد و هشستاد با تعدادی از بهترین‌های سینما مثل بهروز افخمی در «روز شیطان» و یار خشان بنی اعتماد همکاری کردید.

تجربه دلنشینی با بهروز افخمی داشتم و البته قبلا هم در سریال «میرزا کوچک خان» با افخمی کار کرده بودم. من و افخمی وجوهای مشترک زیادی داشتیم که همکاری‌مان جذاب شد.

به چه دلیل کمتر در فیلمهای جنگی کار کردید؟

همکاری در این نوع فیلمها به انتخاب کارگردانها بر می‌گردد. خود من هم تجربه عینی از فضای جنگ نداشتم و لابد سایر همکارانم شناخت بیشتری از این فضا داشتند که این کارها را قبول می‌کردند. تنها تجربه من در این حوزه فیلم «سجده بر آب» بود.

کار با کارگردان کمال گرا و وسواسی به لحاظ کاری مثل احمد رضا معتمدی چگونه بود؟

برای من ارزشمند است که در کارنامه کاری‌ام همکاری با کارگردان‌های متفاوت و دگر اندیش مثل معتمدی زیاد وجود دارد. کارگردانی مثل معتمدی پر از ایده‌های نو و کمتر استفاده شده در فیلم‌هایش است و برایم این امر بسیار مهم بود. کارگردانی که این ایده‌ها را با نگاه فلسفی‌اش گره می‌زند. در فیلم «دیوانه‌های از قفس پرید» تعداد زیادی از بهترین‌های بازیگری سینمای ایران در کنار یک فیلمنامه نو برای من جای کار بسیاری را ایجاد کرد. در طول کار هم این همفکری و هم سلیقه‌گی باعث شد در کارم دقت بیشتری داشته باشم. این تنوع ژانری در انتخاب‌هایم بسیار حائز اهمیت است و بابتش خوشحالم.

در سریال‌های تاریخی هم متفاوت و خوب کار کردید؟

بله، در سریال‌های تاریخی مثل «تنهاترین سردار» و «ولایت عشق» از کار با یک حرفه‌ای مثل مهدی فخیم زاده لذت بردم. در «پاییز بلند» هم با کارگردان درجه یکی مثل منوچهر عسگری‌نسب شرایط کار ایده‌آلی را تجربه کردم.

در سینمای مستقل با کارگردان صاحب امضایی مثل جعفر پناهی همکاری کردید. این همکاری چگونه شکل گرفت؟

این همکاری از فیلم «دایره» شد و در فیلم بعدی‌اش هم ادامه پیدا کرد. پناهی کارگردانی خاص و متفاوتی بود و فیلمهای اجتماعی‌اش این ویژگی را داشت که اغلب زمان فیلم در فضاهای بیرونی و خیابانی بود.

در همکاری با صفی یزدانیان این نکته را اثبات کردید که برایتان کیفیت هنری یک اثر و اندیشه فیلمساز بسیار مهم است.

بله، همیشه تلاش می‌کنم طراحی فیلم‌هایی را بپذیرم که با سازنده‌اش اشتراک فکری داشته باشم و در ضمن بتوانم در بخش طراحی برای افزایش کیفیت و غنای فیلم مفید و موثر باشم. صفی یزدانیان راز سال‌های دور می‌شناختم و امیر پایور نیز یکی از دوستان قدیمی‌ام در سینما است و این ترکیب آشنا یک ترکیب برنده و موثر است و هفته‌ها در پیش تولید درباره فضای فیلم با هم دیالوگ داشتیم که ماحصلش رادر کیفیت فیلمها می‌بینید.

شما جزو رگوداران دریافت سیمرغ و تندیس خانه سینما هستید. به نظر خودتان برای چه فیلمی استحقاق داشتید که سیمرغ و یا تندیس بگیرید که این اتفاق برایتان رخ نداد؟

زیاد به جایزه فکر نمی‌کنم. اگر بخوام احساسی جواب سوال را بدهم، به نظر طراحی فیلم «شاید وقتی دیگر»، «سرب» و «دیوانه‌های از قفس پرید» استحقاق دیده شدن در جشنواره را داشتند.

کاری همیشه با تیمی بودیم که همدیگر را می‌شناختیم و اغلب ثابت بودند.

به چه دلیل در قبل از انقلاب با فیلمسازان موج نو مثل مهرجویی، تقوایی و سایرین همکاری نکردید؟

خب، درگیر کارهای بیضایی بودم که عموماً پیش تولیدشان طولانی و زمان بر بود و تمام تلاش من و سایر اعضا گروه این بود که بیضایی بتواند فیلم بسازد. در «چریکه تارا» و «رگبار» به علت اینکه برای ادامه تحصیل به فرانسه رفته بودم نتوانستم با بیضایی همکاری کنم.

به چه دلیل برای تحصیل به فرانسه رفتید؟

میل خودم بودم و دوست داشتم آشنایی بیشتری با سینمای روز جهان داشته باشم.

در آن دوران اوج موج نوی سینمای فرانسه بود.

امکانات فیلمسازی در آن سالها قابل مقایسه با امکانات کاری ما نبود و دو سال پر باری در فرانسه داشتم.

آیا بعد از حضورتان در سینما دیگر در تئاتر با جوانمرد همکاری نداشتید؟

درگیر سینما شدم و فرصتی نداشتم که به تئاتر بپردازم. البته من در تئاتر کارهای زیادی دارم.

به کدام کارها بیشتر علاقه دارید؟

«لوبیای سحرآمیز»، «کدو قلعه زن» به کارگردانی رضا بابک و نمایش «تللو» که خیلی دوستشان دارم.

بعد از انقلاب این فرصت را داشتید تا با بهترین‌های سینمای ایران مثل خسرو سینایی همکاری کنید؟

بعد از آمدنم به ایران «هیولای درون» را کار کردم و تجربه جذابی بود. سینایی کارهای من رادر فیلم‌های بیضایی دیده بود و به من گفت می‌خواهم فیلمی بسازم و با من کار کن. با خواندن فیلمنامه از فضای کار خوشم آمد و البته حضور داود رشیدی هم مزید بر علت شد تا این کار را قبول کنم.

البته با کیمیایی هم در فیلم سینمایی «سرب» همکاری کردید.

کیمیایی در دفترش از من دعوت به کار کرد و از کیفیت کاریم

بیضایی در آن دوره در تهران سرگرم انتخاب بازیگران و آوردنشان به اسالم بود

به نظر می‌رسد در زمینه طراحی لباس بیضایی تحت تاثیر فضای شرقی-ژاپنی بود. آیا از شما خواست که در این حوزه لباس‌ها را طراحی کنید؟

نه، درخواستی نداشت. یکی از فیلم‌هایی که به اتفاق بیضایی دیدیم هفت سامورایی بود که روی من خیلی تاثیر گذاشت. من از محیط برای طراحی لباس تاثیر گرفتم و الگویم لباس‌های قدیمی منطقه اسالم بود. در آن سالها پوشش اغلب مردم منطقه این نوعی بود. طبق صحبتی که با بیضایی داشتیم تاکید بر این بود حس یک فضای نا کجا آباد وجود داشته باشد.

چگونه در «کلاغ» و «غریبه و مه» سوای طراحی به بازی هم پرداختید؟

بیضایی از من خواست که در فیلم «کلاغ» نقش یک فیلمبردار را بازی کنم و در چند صحنه از من استفاده کرد. در «غریبه و مه» هم جزو یکی از هفت نفری بودم که قصد کشتن آیت را دارند.

آیا در زمینه انتخاب بازیگر به بیضایی مشاوره می‌دادید؟

نه، بیضایی این کارها را خودش انجام می‌داد.

فکر می‌کنید به چه دلیل بیضایی از یک بازیگر چهره در فیلم «غریبه و مه» از جنس بهروز وثوقی استفاده نکرد تا فیلم اکران موفق داشته باشد؟

با این جنس از بازیگران مثل شجاع زاده و فرید راحت‌تر بود. بازیگرانی که چهره تازه‌ای برای مخاطب داشتند و در فیلمهای تجاری بازی نکرده بودند.

در دانشگاه با چه کسانی هم‌دوره بودید؟

در دوران تحصیل متوسطه با ابراهیم حقیقی و در زمان تحصیل در دانشگاه با مجید میرفخرایی هم‌دوره بودم.

از نظر غنای کاری یکی از بهترین و متعالی‌ترین همکاری‌های شما با بیضایی در فیلم «سگ کشی» است. شما به کدامیک از همکاری‌هایتان با بیضایی علاقه بیشتری دارید؟ من مجموعه همکاری‌ام با بیضایی رادوست دارم و در این دوران